

هدفمند کردن یارانه‌ها

چشم‌انداز ایران؛ دومین مناظره دکتر جمشید پژویان رئیس شورای رقابت و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر احمد میدری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۸۹ در حضور گروهی برگزار شد و رسانه‌ها هر یک به بخشی از آن توجه داشتند. مطلب زیر از اینتا گرفته شده و آقای دکتر میدری مطالب خود را بدون این‌که در مطالب دکتر پژویان دست ببرد، ویرایش کردند. امید است تجربه اروپا در کشور ما لحاظ شود، زیرا آنها گرچه به دلایل بسیاری قیمت یزین را بالا نگه داشتند، ولی قیمت خودرو بسیار ارزان است، در حالی‌که ایران تاکنون برعکس آن تجربه عمل کرده است. در واقع در کشور ما معنی خودروی گران تاکنون بنزین گران بوده است که به آن توجه نداشته‌ایم. از این پس با هدفمند کردن یارانه‌ها مردم هم باید خودروی گران و هم بنزین گران‌تر را تحمل کنند.

و افزایش واردات است، زیرا تثبیت نرخ ارز در شرایط تورمی به معنای گران شدن تولیدات داخلی و ارزان شدن تولیدات خارجی است. از سوی دیگر، دولت نمی‌تواند نرخ ارز را متناسب با تورم آزاد کند، زیرا تقاضای سوداگری برای دلار به وجود می‌آید و آن‌گاه شاهد مارپیچ تورم و افزایش نرخ ارز مانند ابتدای دهه ۱۳۷۰ خواهیم بود، این به معنای کاهش پول ملی است که به تورم دامن می‌زند و تورم به نوبه خود به افزایش ارزش پول‌های خارجی می‌انجامد. در بازار پول و نظام بانکی نیز با مشکل اساسی روبه‌رو هستیم. اگر دولت نرخ بهره را ثابت نگه‌دارد با خروج منابع مالی از نظام بانکی روبه‌رو خواهد شد و سیستم بانکی به ورشکستگی می‌افتد، زیرا در تورم بالای ۵۰ درصد هیچ کس مایل نیست پول خود را در بانکی پس‌انداز کند که ۱۵ درصد سود می‌دهد و اگر نرخ بهره افزایش یابد به رکود سرمایه‌گذاری و تولید می‌انجامد، زیرا در نرخ بالای بهره، استقراض سودآور نیست. این گروه از منتقدین می‌گویند آزادسازی قیمت‌ها باید در شرایطی صورت بگیرد که دولت منابع ارزی کافی در اختیار داشته باشد و بتواند تورم را مهار کند.

سومین نقد وارده به این طرح را پیدایش شورش‌های اجتماعی ناشی از آزادسازی قیمت‌ها می‌دانم. شواهد بسیاری در دنیا وجود دارد که

مرکزی آمده این طرح ۱۵ درصد به سطح کنونی تورم می‌افزاید. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که این قبیل آزادسازی‌ها تورم‌های شدید ۶۰ تا ۱۰۰ درصدی را در پی خواهد داشت.

دومین نقد شیوه آزادسازی بازارهای کلان است. بر اساس این نظریه شرط آزادسازی موفق قیمت‌ها در بازار کالاها مانند قیمت بنزین اصلاح نرخ بهره و نرخ ارز، یعنی بازار پول و ارز در ایران است، اما دولت اجازه نخواهد داد این دو بازار اصلاح شوند، به همین دلیل به نظر من طرح شکست خواهد خورد. اگر نرخ ارز ثابت بماند نتیجه‌اش پدیده صنعتی‌زدایی، کاهش صادرات

میدری: دولت به‌طور رسمی پیش‌بینی خود را از تورم احتمالی اعلام نکرده، اما در گزارشی از بانک مرکزی آمده طرح آزادسازی قیمت‌ها ۱۵ درصد به سطح کنونی تورم می‌افزاید. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که این قبیل آزادسازی‌ها تورم‌های شدید ۶۰ تا ۱۰۰ درصدی را در پی خواهد داشت

احمد میدری: طرح آزادسازی قیمت‌ها نمی‌تواند مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را برطرف کند و بر مشکلات کنونی اقتصاد ایران نیز می‌افزاید، زیرا ایجاد رقابت بر اصلاح قیمت‌ها تقدم دارد، اما گروه‌های ذینفع در اقتصاد ایران از ایجاد رقابت جلوگیری می‌کنند. اصلاح قیمت‌ها در شرایط انحصاری برخی از بخش‌های اقتصادی مانند صنعت خودرو، پالایشگاه، نیروگاه و آب و برق و گاز به کاهش رفاه مصرف‌کننده و انتقال منابع مالی به بخش‌های نا کارآمد و انحصاری دولتی و شبه‌دولتی می‌انجامد. من در اینجا می‌خواهم این انتقاد بر طرح هدفمندسازی یارانه‌ها را توضیح دهم، اما پیش از آن مروری می‌کنم بر انتقادهایی که تاکنون از سوی اقتصاددانان و کارشناسان بر این طرح وارد شده است.

اولین نقد را مربوط به تورم‌زایی این طرح می‌دانم، چرا که برخی کارشناسان معتقدند که این طرح موجب تورم شدید در کشور می‌شود و مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش‌های مختلف نسبت به این مسئله هشدار داده است. بر اساس برآوردهای این مرکز اجرای این طرح بیش از ۶۵ درصد به تورم کنونی می‌افزاید. دولت به‌طور رسمی پیش‌بینی خود را از تورم احتمالی اعلام نکرده، اما در گزارشی از بانک

به دنبال آزادسازی قیمت‌ها شورش‌های اجتماعی رخ داده که گاه سرنوشت سیاسی یک کشور را تحت تأثیر قرار داده است، از جمله آنها می‌توان به شورش‌های ناشی از آزادسازی در ونزوئلا در اواخر دهه ۱۹۸۰ و مصر در پایان دهه ۱۹۷۰ اشاره کرد.

برخی از منتقدان می‌گویند اجرای طرح آزادسازی قیمت‌ها موجب افزایش خط فقر می‌شود، اگر خط فقر را ماهانه ۷۰۰ هزار تومان و تورم را حداکثر ۳۰ درصد در نظر بگیریم پس از آزادسازی قیمت‌ها قدرت خرید مردم ۲۱۰ هزار تومان کاهش می‌یابد که دولت باید این فاصله را جبران کند. به عبارت دیگر دولت باید به هر خانوار حداقل ۲۱۰ هزار تومان پرداخت کند تا آثار تورمی آن جبران شود، اما آنچه قرار است به مردم داده شود فاصله زیادی با این مبلغ دارد، بنابراین ما شاهد زیر خط فقر رفتن گروه‌های بزرگی از مردم ایران خواهیم بود. همان‌طور که در نامه دکتر سبحانی به رئیس قوه قضاییه در سال گذشته آمده این طرح زمینه جرم و جنایت را افزایش داده و اصولاً جرم‌ساز است، زیرا افزایش فقر از عوامل اصلی افزایش جرم و جنایت است.

نقد عقلانی دیگری این که این طرح مردم را به سوی دروغ‌گویی سوق می‌دهد و مبانی اخلاقی جامعه را زیر سؤال می‌برد. مردم برای گرفتن یارانه نقدی اطلاعات غلط می‌دهند و دولت به جای پرسش از افراد باید با طراحی نظام‌های آماری و اطلاعاتی مانند کشورهای پیشرفته امکان شناسایی گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر را مشخص می‌کند، در غیر این صورت همچون سال‌های جنگ شاهد خواهیم بود که برخی حتی شناسنامه‌های متوفیان خود را باطل نخواهند کرد تا بتوانند از آن استفاده کنند، در حالی که در کشورهای مشابه که این طرح را اجرا کردند سیستم خوداظهاری که منجر به تشخیص افراد نیازمند شده، تهیه شده است و در این کشورها از سیستم‌های الکترونیکی استفاده می‌شود و کاملاً مشخص است که یک فرد چه میزان درآمد دارد.

در اینجا می‌خواهم محور دیگری برای انتقادها بیفزایم و آن آینده این طرح است. فرض کنید این طرح بتواند همه مشکلات از جمله افزایش فقر، شورش‌های شهری و اجتماعی، بی‌ثباتی اقتصادی کلان و همه آسیب‌هایی که به آنها اشاره شد را پشت سر گذارد، آیا پس از همه

پژویان متأسفانه برای کنترل تورم، ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم معلوم است که اصرار به کنترل نرخ ارز وجود دارد، در مورد نرخ بهره هم همین است

میدری: اگر پول اضافی که خودروسازان از مردم می‌گیرند و راندمان خودروهای آنها را در قیمت‌بندی که مردم ایران متحمل می‌شوند در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که بنزین در ایران بسیار گران‌تر از کشورهای جهان است

این سختی‌ها به ساحل آرامش خواهیم رسید؟ زیرا برخی اعتقاد دارند این یک جراحی بزرگ اقتصادی است و این جراحی با خونریزی همراه است، از این رو باید این سختی‌ها را تحمل کرد تا اقتصاد ایران روی مدار قرار بگیرد. حال پرسش این است که آیا این طرح، اقتصاد ایران را بر مدار صحیحی قرار می‌دهد؟ آیا پس از اصلاح قیمت‌ها مشکلات ساختاری اقتصاد ایران هم حل می‌شود و زایمان با درد، به تولد فرزند سالم می‌انجامد؟

اقتصاد نئوکلاسیک با چاشنی حضور دولت چشمید پژویان: بهتر است در چارچوب مباحث علمی صحبت کنیم؛ این که گفته می‌شود باعث شورش می‌شود، این طرح در جاهای دیگر چنین نتیجه‌ای نداشته است، مثلاً شبیه‌ترین اتفاق در سال ۱۹۷۳ در پی افزایش قیمت حامل‌های انرژی به دلیل شوک نفتی بخصوص در کشورهای صنعتی اتفاق افتاد. این انتخابی بود که خود قدرتمندها انجام دادند و به صادرکنندگان نفت علامت دادند که قیمت را بالا ببرید. شما می‌توانید تورم آن زمان را هم رصد کنید و ببینید با اصلاح قیمت‌ها شورش‌های اتفاق نیفتاد.

در طرح آزادسازی قیمت‌ها، موضوع تورم روی میز اقتصاددانان قرار ندارد. این بحث شاید در کشوری مثل ما که متأسفانه به عوامل کنترل‌کننده تورم توجهی ندارند طرح شود. در جلسه‌ای که با حضور برخی اعضای

هیئت دولت و اقتصاددانان برگزار شده بود پرسیدم که آیا دولت اجباری برای اجرای این طرح دارد که در پاسخ شنیدم چنین اجباری وجود ندارد. مسئله این نیست که اگر این طرح را اجرا نکنیم دچار تحول و رشد نمی‌شویم، چرا که همان‌طور که شاهدیم بیرون رفتن صنایع از فعالیت‌های تولیدی در ۲۰-۱۰ سال گذشته همچنان ادامه داشته و این اتفاق شدیدتر هم خواهد شد.

چرانی تو انیم با چنین مقابله کنیم؟ آیا دلیل آن به نرخ ارز مربوط نیست، در حالی که افزایش کیفیت و بهره‌وری نیروی کار و ماشین‌های مستهلك شده است که ما را از دور رقابت خارج می‌کند؟

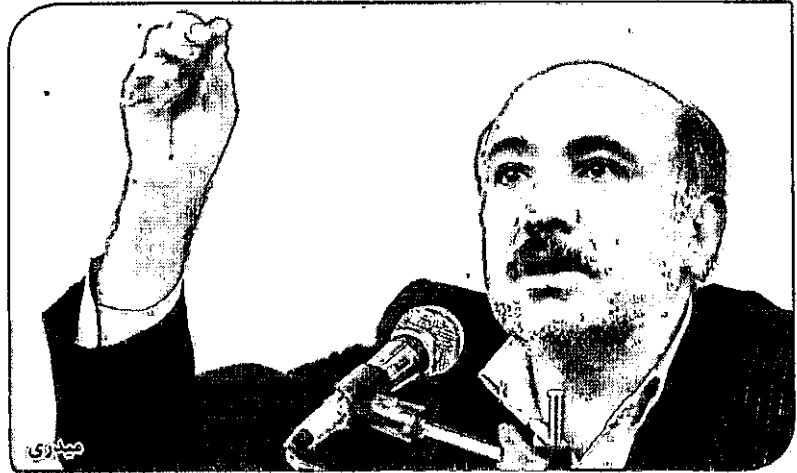
در پاسخ به این پرسش که چه انگیزه‌ای در اقتصاد ما برای رفتن به سوی بهره‌وری بالاتر وجود دارد باید گفت بدون چارچوب علمی ایراد گرفتن، کاری ندارد، مثلاً گفته می‌شود این لایحه ایجاد فقر می‌کند، اما باید پرسید که آیا در دورانی که بالاترین درآمدهای نفتی را داشتیم و قیمت‌ها هم ثابت بود فقر کاهش پیدا کرد یا تورم نداشتیم؟ به همین دلیل در اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها قائل به جراحی و خونریزی نیستیم و آن را تولد اقتصاد ایران می‌دانم.

من اقتصاددان بخش عمومی هستم، یعنی روشی که اقتصاد دنیا با آن اداره می‌شود و مبتنی بر روش‌شناسی و اعتقاد به بازار آزاد است به همین دلیل من نظرات نئوکلاسیک را در کنار حضور دولت در اقتصاد می‌پذیرم.

متأسفانه برای کنترل تورم، ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم معلوم است که اصرار به کنترل نرخ ارز وجود دارد، در مورد نرخ بهره هم همین است.

یکی از عزیزانی که اصرار دارد این طرح موجب تورم می‌شود بهتر است مدلی ارائه کند که بر مبنای آن نرخ تورم قابل محاسبه و پیش‌بینی باشد، در حالی که بهترین مدل تعادل عمومی است که در هیچ کجای دنیا هم این مدل نتوانسته تورم را پیش‌بینی کند. از نظر تئوریک هم کاملاً مسخره است که تصور کنیم جدول داده‌مستنده بتواند نرخ تورم را پیش‌گویی کند.

دنبال تخطئه سیاسی افراد نیستیم پژویان: من خطاب به کسانی که عنوان می‌کنند آزادسازی قیمت‌ها تورم‌زاست، می‌گویم آرزوی من این است که استاد پیش از مرگش می‌توانست



داشته باشد اصلاح قیمت ها به اصلاح توأم رفتار مصرف کننده و تولید کننده می انجامد. ضایعات نان را در نظر بگیرد، قیمت هادر این بازار بر الگوی رفتاری مصرف کننده و تولید کننده به طور مستقیم اثر می گذارد، اما در صنعت خودرو و بنزین، اگر چه مصرف بنزین و گازوییل در ایران پیش از متوسط جهان است، ولی عامل اصلی این اتلاف منابع، شرکت های دولتی خودرو ساز هستند نه مردم و با افزایش قیمت این حامل ها تغییر در شیوه تولید و اصلاح الگوی تولید در کشور رخ نمی دهد، بلکه تنها مصرف کنندگان مجبور به اصلاح الگوی

میدری: اصلاح قیمت ها منجر به هدفمند کردن یارانه ها نمی شود. دولت می خواهد پس از افزایش قیمت حامل های انرژی، منابع مالی را در اختیار صنایع قرار دهد، اما این بازگشت پول منجر به کارایی نمی شود، زیرا مداخله دولت به شکل بدتری در اقتصاد رخ خواهد داد، همان رفتار عجیبی که با عنوان خصوصی سازی صورت گرفت و صنایع پس از واگذاری، از خصوصی بودن فاصله بیشتری گرفتند. آزادسازی قیمت هادر ایران به معنای توزیع پول توسط دولت خواهد بود

نمرات دانشجویانش را تغییر دهد. آن گاه می دانستم نمرات چه کسانی را تغییر دهم!

قانون کار و تأمین اجتماعی باید اصلاح شود؛ چگونه است که کار آفرینان ما بخشی از اقتصاد دنیا را در اختیار دارند و به خاطر آنها زمان عید نوروز تعطیل می شود و یانپوری کار مادر کشورهای خارجی بهره وری بالایی دارند، اما نیروی کار و سرمایه در ایران بهره وری ندارند. معلوم است که مسئله فقر با این لایحه بر طرف نمی شود. هدف این نیست که کسانی را از نظر سیاسی تخطئه کنیم، بلکه به دنبال این هستیم که راهکارهایی را پیدا کنیم که اقتصاد ایران را از این مشکلات رها کند. آیا با وجود این توانایی ها اقتصاد ایران باید ۸ میلیون نفر زیر خط فقر داشته باشد؟

اصلاح نظام بوروکراتیک

احمد میدری: اگر گفته شود آزادسازی قیمت ها و هدفمندسازی یارانه هادر ایران در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک صورت می گیرد فکر می کنم بر این مکتب جفا شده است. این پرسش را باید مطرح کرد که آیا پس از تحمل ناملایمات، به اهداف این طرح و نکات مثبتی که طراحان آن مدعی هستند دست خواهیم یافت؟ طرفداران این طرح می گویند هدفمند کردن یارانه ها موجب کاهش مصرف بی رویه و تخصیص منابع محدود کشور می شود. من معتقدم این وجه مثبت بسیار کمتر از آنچه طرفداران آن می گویند رخ می دهد.

برای بررسی صحت این ادعا و نقد آن باید به این مسئله توجه کرد که اتلاف منابع از دو ناحیه می تواند رخ دهد؛ مصرف کنندگان و تولید کنندگان. اگر در اقتصاد رقابت وجود

مصرف هستند.

دولت مدعی است به دلیل ارزان بودن بنزین مردم بیش از اندازه بنزین مصرف می کنند، در حالی که در اقتصاد ایران گروه های انحصارگر بسیاری وجود دارند که از جمله آنها می توان به دو شرکت ایران خودرو و سایپا اشاره کرد. خودروهایی ساخت این دو خودرو ساز ۳۷ درصد بیش از مصرف متوسط سایر خودروها در جهان بنزین مصرف می کنند. آیا با آزادسازی قیمت ها تکنولوژی تولید این دو تغییر خواهد کرد؟ آیا خودروهایی در ایران ساخته می شود که ۳۷ درصد بنزین کمتر مصرف کنند؟ با توجه به شناختی که داریم دولت صنعت خودرو را تغییر نمی دهد و وضعیت شبه انحصاری آنها کماکان باقی خواهد ماند. در این حالت گران کردن بنزین اجحاف بر مردم است، زیرا مجبورند از یکپرسو خودروها را با حداقل ۵۰ درصد بالاتر از قیمت جهانی خریداری کنند و از سوی دیگر مصرف سوخت این خودروها نزدیک به ۴۰ درصد بالاتر از قیمت جهانی است و از این به بعد مجبور هستند بنزین را به قیمت فوب خلیج فارس یا همان قیمت بین المللی خریداری کنند. با این جزیره صنعتی که برای این دو خودرو ساز به وجود آمده، نمی توان رقابت ایجاد کرد. سالانه ۲۲ میلیارد لیتر بنزین مصرف می شود که ۳۷ درصد اتلاف منابع ناشی از این دو خودرو ساز است، یعنی ۶ هزار میلیارد تومان اتلاف منابع می شود.

تا به امروز نگذاشته ایم بخش خصوصی وارد بسیاری از بخش های اقتصادی شود و کارهایی که در زمینه خصوصی سازی انجام داده ایم از دولتی بودن نیز بدتر است.

به نظر من اصلاحات در اقتصاد ایران باید غیر قیمتی باشد، چرا که دولت نمی تواند انحصار زدایی کند و گروه های فشار اجازه چنین کاری را نمی دهند. رقابت بر اصلاح قیمت ها تقدم دارد، مثلاً پیش از ورود ایر انسل، مخابرات یک سیم کارت را به مبلغ ۸۰۰ هزار تومان می فروخت، اما پس از ورود اپراتور دوم شاهدیم که قیمت همان سیم کارت به ۸۰ هزار تومان کاهش یافته و خدمات تازه ای به مردم ارائه شده است. بعضی از مسئولین آن زمان به مردم می گفتند دولت برای مکالمات تلفنی یارانه می دهد و باید یارانه را حذف کرد و قیمت مکالمه را افزایش داد تا مردم کمتر از تلفن

بازار و آثار ۱۳۸۹
میدری

استفاده کنند. بعد ما معلوم شدن تنها یارانه ای در کار نبوده، بلکه مخابرات از مردم پول اضافی هم گرفته است. اگر پول اضافی که خودروسازان از مردم می گیرند و راندمان خودروهایی آنها را در قیمت بنزینی که مردم ایران متحمل می شوند در نظر بگیریم متوجه می شویم که بنزین در ایران بسیار گران تر از کشورهای جهان است. به جای آنکه سیاست های قیمتی را تجربه کنیم باید ابتدا در کشور انحصارزدایی می کردیم و پس از آن دست به جراحی اقتصادی می زدیم.

تنها در صنعت خودروسازی حاکمیت شرکت های انحصاری دولتی موجب اتلاف منابع ملی و تحمیل هزینه بر مردم نمی شود، بلکه نیروگاه ها و پالایشگاه ها در وضعیت مشابهی به سر می برند. در حال حاضر عموم نیروگاه ها و پالایشگاه ها متعلق به دولت است و هیچ رقابتی میان آنها وجود ندارد و ضایعات در پالایشگاه ها و اتلاف برق در نیروگاه ها و خطوط انتقال بسیار زیاد است. نکته ای که من بر آن تأکید می کنم این است که اصلاح قیمت ها به افزایش کارایی پالایشگاه ها و نیروگاه ها نمی انجامد. ما در ایران ۹ پالایشگاه و نزدیک به ۷۰ نیروگاه اصلی تولید برق داریم و اتلاف منابع در مجموع این واحدها بیش از همه ریخت و پاش هایی است که ۱۵ میلیون خانوار ایرانی دارند. این واحدها نسبت به اصلاح قیمت ها واکنش نشان نمی دهند، زیرا در وضعیت انحصاری یا شبه انحصاری به سر می برند. برای جلوگیری از اتلاف منابع ابتدا باید در مورد این واحدها اقدام کرد، همان طور که اصلاح دو خودروساز مقدم بر اصلاح رفتار مردم است اصلاح ۹ پالایشگاه و ۷۰ نیروگاه بر اصلاح رفتار ۱۵ میلیون خانوار ارجحیت دارد، اما همان طور که دولت نمی تواند با انحصار خودروسازان مقابله کند در ایجاد رقابت در صنعت پالایشگاهی و نیروگاهی نیز عاجز است. می توان نشان داد روزانه ۳۴ هزار بشکه نفت خام در پالایشگاه های کشور نابود می شود و ۲۰ درصد برق کشور پیش از این که در اختیار مصرف کننده نهایی قرار بگیرد تلف می شود. جلوگیری از این ثروت عظیم بر اصلاح قیمت ها تقدم دارد.

ناکارآمدترین فعال اقتصادی

پژویان: دکتر میدری از دو شرکت خودروساز سایپا و ایران خودرو صحبت کردند، اما من می گویم مگر با پس گردنی زدن به این

صنایع مشکلات بهره وری آنها حل نمی شود؟ مگر مشکل کارخانجات خودرودر بقیه صنایع وجود ندارد؟ واقعیت این است که دلیل یکی است و مشخصاً با وجود بنزین رایگان یک خودروساز چه دولتی و چه خصوصی حاضر نیست هزینه بالایی را صرف اصلاح ساختار تولید خود کند. چه کسی بررسی کرده که از واردات ۶۰ میلیارد دلاری می توانیم پیش از ۴۰ میلیارد دلار آن را در داخل تولید کنیم؟ اصلاً چه کسی گفته ما خودروساز هستیم؟ بدون شک دولت خودناکارآمدترین فعال اقتصادی است.

من تمام تحصیلاتم در مکتب نئوکلاسیک و شیکاگو گویوده است، در اقتصاد ایران هم ناکارآمدی مدیریت دولتی داریم و هم ناکارآمدی بخش عمومی که بخش خصوصی هم در آن سهم است. اگر قرار بود بتوانیم بدون علامت دادن قیمتی و مکانیزم بازار و با طراحی برنامه های متمرکز عمل کنیم و موفق شویم، نظام برنامه ریزی متمرکز کمونیستی از هم نمی پاشید و باید شاهد این بودیم که همه نظام های متمرکز دولتی موفق شوند، اما این اتفاق نمی افتد، چرا که خودروسازها با دستور هرگز توان خود را در شوری بالا برند.

علامت قیمت اولین علامت در اقتصاد است و کدام اقتصاددان را می توان یافت که معتقد باشد علامت دیگری وجود دارد کما اینکه زمانی که قیمت ها اصلاح شد می توان از ابزارهای دیگر نیز بهره برد.

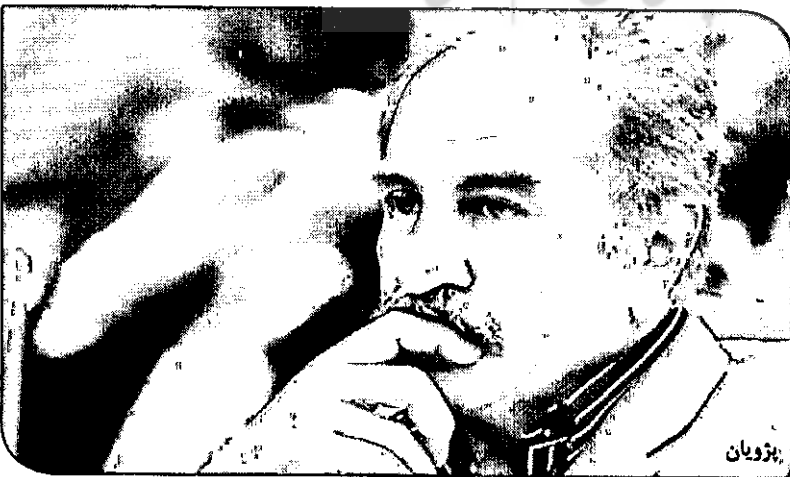
من رئیس شورای رقابت هستم و امروز با نظام تنظیم بازار و قیمتگذاری به شدت درگیرم. برای تصحیح وضعیت رقابت در کشور از زمان

تشکیل شورای ۵۱۶ حکم صادر کرده ایم. بدون برداشتن قدم اول که اصلاح قیمت هاست چطور می توان قدم های بعدی را برداشت؟

گرچه من اقتصاددان هستم و نماینده دولت نیستم، اما دفاع من از این طرح سی ساله است. پس از تغییر قیمت ها باید اجزای قانون اصل ۴۴ اصلاح شود، و دولت نیز وادار به رشد بهره وری شود، همان طور که زمان تصویب قانون اصل ۴۴ فریاد می زدیم طرح سهام عدالت شکست خورده، امروز هم پذیرید که عدم کارایی تمام جوانب اقتصاد را در بر گرفته و هیچ راهی جز اصلاح قیمت ها وجود ندارد.

اخمه میدری: اصلاح قیمت ها نقطه آغاز نیست، بدون اصلاح قیمت ها هم می توان اقدامات بسیاری را صورت داد که به افزایش کارایی و بهره وری بینجامد، مانند ورود اپراتور دوم تلفن همراه. در بسیاری از صنایع می توان انحصارزدایی کرد، اگر این اتفاق در سایر صنایع از جمله خودروسازها هم بیفتد بسیاری از مشکلات اقتصادی حل می شود. مسئله اصلی اینجاست که دولت اجازه رقابت نمی دهد، اگر اجازه رقابت داده شود اصلاح قیمت ها لازم نیست.

دولت و نظام اداری و تصمیم گیری همواره بخش محدودی از واقعیت ها را برای مردم تکرار می کند. سال هاست که مرتب گفته می شود مردم ایران بیش از متوسط جهانی آب می نوشند، بنزین مصرف می کنند و برق هدر می دهند، اما نمی گویند که چه میزان آب در شبکه توزیع تلف می شود یا برق در نیروگاه ها و خطوط انتقال تلف می شود و یا میزان تولید نفت کوره در پالایشگاه ها چقدر است.



پژویان

بهروری با اصلاح قیمت ها

پژویان: بی دلیل نیست که شما توانستید تمانده مجلس شوید، چون یک موضوع را مدام تکرار می کنید. دوستی داشتم که فوت کرد، او می گفت هر وقت برای سخنرانی به جایی می روم اول جمع را بررسی می کنم بینم چه چیزی را دوست دارند، بعد همان را تکرار می کنم! این مسائلی که شما می گوید در طول چند دهه وجود داشته است. مگر ناکارآمدی مربوط به این دولت است؟ شما که نماینده مجلس بودید چرا این ناکارآمدی ها را اصلاح نکردید؟

احمد میدری: اگر شما هم نامزد مجلس شده بودید رأی خوبی می آوردید، اما باز گردیم به مسئله اصلی بحث. ایجاد رقابت در اقتصاد بدون شوک قیمتی هم امکان پذیر است. اصلاح قیمت ها منجر به هدفمند کردن یارانه ها نمی شود. دولت می خواهد پس از افزایش قیمت حامل های انرژی، منابع مالی را در اختیار صنایع قرار دهد، اما این بازگشت پول منجر به کارایی نمی شود، زیرا مداخله دولت به شکل بدتری در اقتصاد رخ خواهد داد، همان رفتار عجیبی که با عنوان خصوصی سازی صورت گرفت و صنایع

پژویان: وقتی انحصار طبیعی وجود دارد جای ایجاد رقابت نیست. این که رقابت ایجاد شود خواسته ۳۰ ساله من است و ناکارآمدی دولت هم همین وضعیت را دارد، اما با دادن علائم قیمت است که حرکت شروع می شود.

میدری: من باز هم تأکید می کنم با ورود بخش خصوصی به اقتصادی توانیم جامعه را به سوی رفاه هدایت کنیم و این امر زمانی رخ می دهد که اجازه دهیم بخش خصوصی وارد اقتصاد شود

پس از واگذاری، از خصوصی بودن فاصله بیشتری گرفتند. آزادسازی قیمت ها در ایران به معنای توزیع پول توسط دولت خواهد بود.

شما رئیس شورای رقابت هستید، اما هنگام واگذاری مخابرات مخالفت خود را با این که مخابرات غیر رقابتی واگذار شد اعلام نکردید. آیا اصلاح قیمتی را در ساختار انحصار دولتی توصیه می کنید؟ شما اگر بخواهید رفاه را در جامعه ایجاد کنید باید به جای اصلاح قیمت به سمت افزایش رقابت و ورود بخش خصوصی بروید.

پژویان: همان زمان گفتیم که این عرضه غیر رقابتی است. چند بخش خصوصی می تواند وارد نیروگاه شود؟

میدری: خیلی!

پژویان: وقتی انحصار طبیعی وجود دارد جای ایجاد رقابت نیست. این که رقابت ایجاد شود خواسته ۳۰ ساله من است و ناکارآمدی دولت هم همین وضعیت را دارد، اما با دادن علائم قیمت است که حرکت شروع می شود.

میدری: من باز هم تأکید می کنم با ورود بخش خصوصی به اقتصادی می توانیم جامعه را به سوی رفاه هدایت کنیم و این امر زمانی رخ می دهد که اجازه دهیم بخش خصوصی وارد اقتصاد شود، در نهایت این امر به اصلاح قیمت ها که مورد نظر شما نیز است خواهد انجامید.

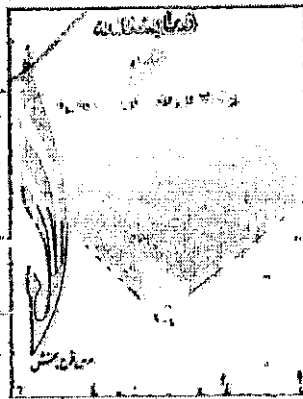
نمایشنامه حر بر گرفته از واقعه تاریخی عاشورا

نوشته: عباس فرحبخش (با مقدمه دکتر علی شریعتی و معرفی از منوچهر آتشی)

انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۸۹

قیمت: ۲۵۰۰ تومان، تلفن تماس: ۰۲۱-۸۸۳۱۲۸۹۳

حر، در همه حال است. اگر بتک ایام بر سرش ضربه ای فرود آورد، سر راستان صیبری کند و اگر بر سر هر ضربه ای انبوه مصائب نیز هجوم آرند، هر گزش نشکند، هر چند به بندش کشند، به بیچارگی اش کشانند و راحت از او رخت بندد و روزگار بر او سخت گیرد. (امام صادق) با حسین از آغاز همراه بود. طول راه را منزل به منزل مرحله به مرحله تا کربلا آمد. شب عاشورا که حسین جمعی را که بر او گرد آمده بودند، برای مرگ گلچین کرد تا آنها که در شهادت به اخلاص مطلق وجودی نرسیده اند بروند، وی وفادار ماند. صبح عاشورا که مسلم بود جز مردن گریزی نیست،



مانند صفا آرایی شد و مانند جنگ آغاز شد و مانند مجاهدان فدایی یکایک می آمدند و از امام اجازه می گرفتند و به آغوش شهادت می شتافتند. او هم آمد و اجازه گرفت و به میدان رفت. جنگید، خوب هم جنگید، چند تنی را هم از سپاه یزید به زانو در آورد. ناگهان آخرین انتخابش را کرد، تغییر جهت داد. برگشت از امام اجازه خواست که: «ای پسر رسول خدا، من به وظیفه شرعی خود حتی المقدور عمل کردم. بیش از این فکر نمی کنم بر من دینی باشد. اجازه مرخصی می فرمایید که بروم و به کارم، گرفتاریم، زنده گیم و اهل و عیالم بر ستم؟ امام، البته او را امر خص کرد و رفت. در تمام مراحل که حر افسر وفادار یزید بود، او افسر وفادار حسین بود. در آخرین لحظه، حر به سوی حسین آمد و او از حسین فاصله گرفت، تنها، صحنه را رها کرد و از کربلا به سوی زندگی بازگشت و تاریخ، بالبخندی پر معنی و تگاهی پر عبرت، او را از قفا می نگرست! او که مرگ را انتخاب کرد زنده ماند (شهادت)، و این که زندگی را چسبید، مُرد (تهلکه).

او با آخرین انتخاب یک عمر «ننگ» را «نام» کرد و این با آخرین انتخاب یک عمر «نام» را «ننگ»!